

مطالعه تطبیقی سیاستنامه خواجه نظام الملک طوسی و ارت شاستر کوتلیا

دکتر ممتاز احمد*

چکیده

این مقاله به مطالعه تطبیقی دو اثر ارزشمند سیاستنامه خواجه نظام الملک طوسی از ایران زمین و ارت شاستر کوتلیا از سرزمین هندوستان پرداخته است. این دو از وزیران خردمند و دانشمندان عصر خویش در حوزه سیاست و کشورداری بوده اند، بررسی و سنجش این دو اثر در زمینه سیاست مدن می تواند دیدگاههای مشترک و همسان در دو حوزه متفاوت حکومتی را برای خوانندگان آشکار سازد.

کلید واژگان: سیاست نامه خواجه نظام الملک، ارت شاستر کوتلیا، مطالعه تطبیقی.

دوره سلطنت سلجوقیان (۱۰۴۴-۱۱۵۷م) در ایران و سلطنت موریان (۱۸۵-۳۲۱ ق.م) در هند باستان در تاریخ هردو کشور اهمیت مجلل و مقام ارجمند دارند. این هردو

* (استاد مهمان) (Guest Faculty) مرکز مطالعات زبان و ادبیات فارسی و آسیای مرکزی، دانشکده مطالعات زبان و ادب و فرهنگ، دانشگاه جواهر لعل نهرو و دهلی نو، ۱۱۰۶۷ (هند).

سلطنت نه فقط از نظر سیاسی بلکه از نظر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز دوره طلایی به شمار می روند. در هر دو دوره پادشاهان بزرگ، وزیران خردمند و دانشمندان صاحب نامی وجود داشته اند که در آن نظام الملک طوسی در ایران و کوتلیا در هند باستان به دلیل نقش ارزشمندشان در زمینه سیاست و مدیریت خیلی مشهور و معروف اند و در مرزهای خود مقامی ارجمند دارند.

نظام الملک طوسی غیر از صدارت و مملکت داری همه عمر به ترویج دانش در بسیاری از شهرهای ایران پرداخت و مدارس به نام خود تأسیس کرد که از بزرگ ترین و مهم ترین آنها مدرسه نظامیه بغداد بود و او گذشته از این آثاری هم دارد که از همه مهم تر سیاستنامه (سیرالملوک) است و دیگر مکتوبی است در ذکر شرایط وزارت که به نام وصایای نظام الملک (دستورالوزراء) شهرت دارد.

سیاستنامه (سیرالملوک) مهم ترین آثار ادبی زبان فارسی در دوره سلجوقی است که این کتاب را نظام الملک به دستور ملک شاه سلجوقی به سال ۴۸۵ هجری نوشت. موضوع کتاب سیاستنامه تدبیر ملک داری است که درباره امور سیاست و اصول جهان بینی عدل و سیرت نیکو و به منظور پند و اندرز و راهنمایی و ارشاد از احوال وزیران و قاضیان و دبیران و برگزیدن جاسوسان و مشورت با دانایان، روش لشکر داری و حق گذاری و غیره نوشته شده است.

به جانب دیگر کوتلیا یک سیاستمدار مشهور در عهد موریان بود. اسم او و شنو گپت و چانکیه هم بود. کوتلیا برای فلسفه خود در جهان مقامی بلند و ارجمند دارد. بنا به روایت جنوب هند کوتلیا در جنوب هند در ناحیه کوه در صوبه گولگان نزد کرناتک متولد شد. تاریخ پیدایش او معلوم نیست. در زمان کودکی پدرش این جهان را وداع گفت و در زیر سایه مادر پرورش یافت. کوتلیا برای تحصیل علم و دانش به تکشیلآ آمد که مشهورترین مرکز علم و هنر در شمال هند بود. در آنجا کوتلیا علاوه بر علم اقتصادیات، علوم و فنون دیگر را نیز تحصیل کرد و به عنوان عالم بزرگ مشهور گشت. بعد از آن او در دربار خانواده ننددر مگد آمد که آنجا دیگر علما و ادبا

موجود بودند مانند پانینی و ورش واپورش و غیره. کوتلیا در مگد در دربار مهاپد مانند وارد شد و بدون اجازه پادشاه آنجا نشست که فقط مخصوص به علما و ادبای بزرگ بود و به همین سبب پادشاه خشمگین شد و غلام او کوتلیا را از دربار خارج کرد. از این اتفاق کوتلیا خیلی خشمگین شد و این مشهور است که از آن زمان کوتلیا عزم کرد که یک روز حکومت خانواده نند را ازین خواهد برد و از آن روز کوتلیا هر جا برای جستجوی یک معاون مسافرت کرد و بالاخر چندر گپت موری را پیدا کرد و به کمک او حکومت نند را شکست داد و چندر گپت موری را پادشاه مگد کرد و خود به عنوان وزیر او مشغول کار شد و تا عهد بندوسار امور وزارت را انجام داد و بعد از آن کهلاتک و رادا گپت وزیر شدند.

ارت شاستر کوتلیا یک کتاب معروف در امور سیاسی است که در آن اصول اداری و اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و علم و هنر و فلسفه از زمان موری به تفصیل ذکر شده است. در آغاز اسم این کتاب دند نیتی بود. ارت شاستر کوتلیا در زبان سنسکریت کلاسیک به شکل نثر و نظم است و همه واقعات به صورت جمله های کوتاه یا به دستور ستر «ستر» نوشته شده است. این یک کتاب قوانین است. این کتاب بر پانزده جلد و یک صد و پنجاه بخش و یک صد و هشتاد فصل تقسیم شده است و در هر فصل چند جمله کوتاه نوشته شده است و در آخر هر فصل یک بیت به ذکر آمده است. جلد دوم و سوم از جلد دیگر قدیم تر است. اولین پنج جلد ارت شاستر کوتلیا در امور اداری داخلی و هشت جلد دیگر درباره روابط خارجی و چهارده و پانزده درباره امور رازداری و تدبیر کارهاست.

در اینجا یک سوال پیش می آید که آیا ارت شاستر کوتلیا بر سیاستنامه نظام الملک تأثیری داشته است یا نه. پاسخ به این سؤال خیلی دشوار است به این دلیل که اولین بار ارت شاستر کوتلیا در قرن بیستم میلادی به سال ۱۹۰۸ میلادی به وسیله شام شاستری به انتشار رسید و قبل از این مردم جهان نمی دانستند که کوتلیا یک کتاب خاص را نوشته است یا نه.

از این نظر اینکه مردم از وجود این کتاب در زمان سلجوقی آگاهی داشته‌اند یا نه معلوم نیست ولی بعد از مطالعه تطبیقی بین هر دو کتاب فکر می‌کنم دواثر شباهت‌های زیادی دارند. به این سبب ممکن است خواجه نظام الملک طوسی در زمان سلجوقی از کار کوتلیا آگاهی داشته و در نگارش کتابش از آن استفاده کرده باشد ولی از طرفی اثر خواجه نظام الملک طوسی در دوره سلجوقی و دیگری در زمان موریان نوشته شده‌اند و بین این دو دوره، هزار سال فاصله است و به همین سبب تفاوت‌های زیادی در زمینه امور لشکری و دیگر امور سیاسی در دو کشور وجود داشته است. مقایسه بین دو اثر بزرگ سیاستنامه نظام الملک طوسی و ارت شاستر کوتلیا درباره امور سیاسی و اصول اداری و دیگر موارد در این تحقیق به شرح زیر انجام می‌گیرد:

- ۱- در احوال انتخاب و تربیت و سیرت و دستور حیات پادشاه.
- ۲- در احوال آداب و قواعد درباریان.
- ۳- در احوال وزیران و وزیر اعلی.
- ۴- در احوال قانون گذاری و عدل و انصاف و اهمیت دادگاه.
- ۵- در احوال قاضیان، خطیبان، محتسب، عامل، شحنة رئیس.
- ۶- در احوال اقطاع و مقطعان دولت.
- ۷- در احوال مشرفان دولت.
- ۸- در احوال ندیمان پادشاه.
- ۹- در احوال وکیل خاص.
- ۱۰- در احوال صاحب برید و سفیر و رسولان دولت.
- ۱۱- در احوال صاحب خبران، منهیان، جاسوسان.
- ۱۲- در احوال امنیت و محافظت کشور، تربیت و ترتیب سلاحها و آلات جنگ و روشن داشتن اموال جمله لشکر.
- ۱۳- در احوال علتین و آفات کشور.

۱۴ - در احوال اوضاع اقتصادی، خزانه و تیمار داشتن، حساب مال ولایتها، تجارت، بازرگانی، صنعت، هنر دستی، کشاورزی و غیره.

۱۵ - در احوال اوضاع اجتماعی، مختلف گروهها و فرقهها و طبقات اجتماع، مراحل زندگی، ازدواج، احوال زن، دین و مذهب، رواج قدیم، اقسام غذا، زیورآلات و لباس مردم و غیره.

در احوال تربیت و سیرت و دستور حیات پادشاه خواجه نظام الملک طوسی برای پادشاه رعایت قوانین و ضوابط و اصول دینی را لازم قرار داده و گفته است که ایزد تعالی در هر زمان یک پادشاه برای حکومت مردمان برگزیده و به همین سبب برای پادشاه مهم است که برای امنیت و شادمانی رعایا کوشش و همیشه به مسایل رعایا توجه کند و علمای دین و زاهدان و پارسایان را صدقات متواتر دهد و نه فقط در سخاوت بلکه در دلیری و جوانمردی و دانایی و هوشیاری و اخلاص و سپهسالاری و دیگر هنرهای کشورداری که برای پادشاه لازم است و شفقت و رحمت بر خلق و اعتقاد نیک کامل باشد. کوتلیا در ارت شاستر هفت جزء را برای کشور لازم قرار داده است که اولین و مهم ترین جزء، سلطنت پادشاه است. دوم وزیر، سوم ندیم، چهارم لشکر، پنجم قلعه، ششم خزانه، هفتم زمین. در میان همه هفت جزء پادشاه برتر است و همه اجزای دیگر با وجود پادشاه معنی پیدا می کنند.

کوتلیا می گوید برای انجام کارهایی که وظیفه پادشاه است، داشتن چند صفت برای پادشاه لازم است. اول اینکه پادشاه همیشه به خانواده بالا تعلق داشته باشد، دوم اینکه قوت اقتدار بر وزیران و دیگر ملازمان سلطنت داشته باشد و سوم اینکه در خردمندی و دانایی و راستگویی و سخاوت و پای بندی به اصول و قواعد دینی برتر از دیگران باشد.

کوتلیا در ارت شاستر به رعیت پروری خیلی اهمیت داده است و عدل و انصاف را برای پادشاه لازم شمرده و گفته است که ایجاد امنیت و شادمانی برای مردمان مهم ترین کار پادشاه است. کوتلیا می گوید که امنیت و شادمانی رعایا خوشبختی

پادشاه است و پریشانی و درماندگی رعایا بدبختی پادشاه. کوتلیا رعایا را مانند فرزند می‌شمارد و می‌گوید اگر پادشاه چیزی را برای فرزند خود پسند کند باید که آن را برای رعایا نیز پسندد. همینطور برای پادشاه شایسته نیست که اگر رعیت کار بد کند، او را سرزنش کند بلکه در این مورد دادگستری نشان دهد. کوتلیا برای پادشاه علم و هنر و دانش را لازم قرار می‌دهد و می‌گوید که پادشاه باید برای خود و برای مردمان کشور زمینه کسب علم و دانش را فراهم سازد و علم و دانش را توسعه بدهد و از خصایل رذیله دور ماند و باید که از خفتگی و بدگویی و عجله و عصبانیت دور باشد و همواره راه میانه را اختیار کند.

در احوال و آداب و قواعد درباریان اندیشه های خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا هر دو یکسان است. هر دو مولف در آثار خود گفته اند که پادشاه از همه وزراء و امرا بالاتر است و به همین جهت همه باید در موضوع و موقع، فرمان پادشاه را اطاعت کنند. برای پادشاه شایسته نیست که ندما با زبان گشاده و گستاخ با او سخن گویند که این خصایص پادشاه را زیان دارد و ایشان از این کار دلیر گردند و در جمله هر که را شغلی و عملی فرمود نباید ندیمی فرماید و هر کس را که ندیمی فرماید باید که هیچ عملی نفرماید و همه توابع دولت را کوتلیا مشاورت می‌دهد که زیر اطاعت پادشاه وقت باشند و او را گرامی دارند. کوتلیا پادشاه را مشاورت می‌دهد که به جز ندیم خاص، پادشاه نباید که راز خود را به همه وزراء و امرا بگوید که این برای پادشاه خطرناک است و وقار پادشاه را ازین می‌برد. کوتلیا وقت و حالات خاصی را مشخص کرده است که فقط در آن وقت با دوستان و مقربان خود وقت بگذارد و کارهای خود را انجام دهد. خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا هر دو جهت تعظیم پادشاه برای امیران و ملازمان دربار گاه جای مخصوص قرار داده‌اند و آداب تعظیم و ایستادن و نشستن را هم در پیش پادشاه بیان کرده‌اند و گفته‌اند که غیر از وزراء و افسران و بندگان و چاکران و کهتران و سلاح‌داران و مانند آنها اگر کس دیگری خواهد که میان ایشان بایستد باید صاحب درگاه او را دور کند تا درمیان

گروهی بیگانه نیفتد.

در احوال وزیران خواجه نظام الملک طوسی وزیر دانا و هوشیار را برای کشور خیلی مفید می‌شمرد و می‌گوید که وزیر خوب آن است که کارهای خود را به خوبی به انجام برساند و با کارهای خود کسی را رنج ندهد و برای شادمانی و امنیت رعایا و کشور تلاش کند و مسایل حکومت را به خوبی دنبال کند و اموال را نستاند و در همه افعال سلطنت نگاه کند. از احوال وزیران و معتمدان همچنین در سر می‌باید پرسید تا شغلها بر وجه خویش می‌رانند یا نه که صلاح و فساد پادشاه و مملکت بدو باز بسته باشد که چون وزیر نیک روش باشد مملکت آبادان بود و لشکر و رعایا خشنود و آسوده و با برگ باشند و پادشاه فارغ دل و چون بد روش باشد در مملکت آن خلل تولد کند که در نتوان یافت، و همیشه پادشاه سرگردان و رنجور دل بود و ولایت مضطرب.

کوتلیا نیز در احوال وزیران و وزیر اعلیٰ مفصل توضیح داده است و همه نکته‌های لازم را از نظر خردمندی و دانشمندی وزیران و خدمات و اختیارات آنان و ترتیب انتخاب آنان بیان کرده است. کوتلیا به وزیران امور سیاسی بسیار اهمیت داده است و می‌گوید بدون وزیر کارهای سلطنت انجام نمی‌گیرد. پادشاه بدون وزیر مانند اربه یک چرخ است و می‌دانیم اربه یک چرخ کار نمی‌کند و همینطور بدون وزیر کارهای پادشاه به خوبی انجام نمی‌گیرد.

کوتلیا در ارت شاستر هجده گروه وزارت را ذکر نموده است که هر یک تحت نظارت یک افسر اعلیٰ بودند که نام «تیرت یا مهمات» نامیده می‌شدند. چند عنوان از مهم‌ترین مهمات سلطنت در زمان کوتلیا عبارت بودند از: منتری (وزیر)، پوروهت (عالم دین)، سیناپتی (سالار لشکر)، کارمنتک (افسر افسران و کارخانه)، انتوپیک (نگهبان پادشاه)، سماه‌رتا (افسر سود سهام)، سنیداتا (افسر خزانه)، آتوک (افسر جنگل)، گرهورش (افسر اطلاعات)، اگرونوموئی (افسر راههای تجارت)، و غیره. مهمات از نظر سیاسی مقامی ارجمند داشت و پادشاه با مشورت وزیران ایشان را

انتخاب می کرد. کوتلیا پادشاه را مشاورت می دهد که امات یا مهمات را از دوستان و ملازمان کابل انتخاب کند و تأکید کرده است که همه گفتگوهای سری را که از نظر سیاسی اهمیت دارند برای ایشان نگویید که این کار پادشاه به حکومت ضربه می زند.

در احوال قانونگذاری و عدل و انصاف و اهمیت دادگاه خواجه نظام الملک طوسی
نگاه خاصی دارد و این را برای سلطنت خیلی مهم قرار داده است .

در احوال قاضیان و خطیبان و محتسب و عامل و شحنة و رئیس سلطنت را درباب
مختلف در سیاست نامه آورده است و کوتلیا هم در ارت شاستر این موضوع را مقامی خاص داده و در باب چهارم اصول قوت قضایی را با تفصیل شرح نموده است.

خواجه نظام الملک طوسی می گوید که پادشاه باید احوال قاضیان مملکت یگان یگان بداند و هر که از ایشان عالم و زاهد و عادل باشد او را بر آن کار نگاه دارد و هر که نه چنین بود او را معزول کند و به دیگری که شایسته باشد بسپارد و هر یکی را از ایشان بر اندازه کفاف او مشاخره ای اطلاق کند تا او را به خیانتی حاجت نیفتد که این کاری مهم و نازک است؛ از بهر آنکه ایشان برخونها و مالهای مسلمانان مسلط اند چون به جهل و طمع و قصد حکمی کنند، برحاکمان دیگر لازم شود آن حکم را امضا کردن و معلوم پادشاه گردانیدن و آن کس را معزول کردن و مالش دادن و گماشتگان باید که دست قاضی قوی دارند و رونق در سرای او نگاه دارند و اگر تعذری کند و به حکم حاضر نشود اگر محتشم بود او را به عنف و کره حاضر کنند و هیچ کس را نفرموده اند از بهر آنکه تا جز راستی نرود و هیچ کس پای از حکم باز نتواند کشید و به همه روزگار از گاه آدم علیه السلام، تا اکنون در هر معاملتی و در هر ملکی عدل ورزیده اند و انصاف بداده و انصاف بستده اند، و به راستی کوشیده اند تا حکومت در خاندان ایشان سالهای بسیار بمانده است. به هر شهری نگاه کنند تا آنجا کیست که او را بر کار دین شفقتی است و ایزد تعالی ترسان است و صاحب غرض

نیست او را بگویند که امانت این شهر و ناحیت در گردن تو کردیم. آنچه ایزد تعالی از تو پرسد ما از تو پرسیم. باید که حال عامل وقاضی و شحنه و محتسب و رعایا و خرد و بزرگ می دانی و می پرسی و حقیقت آن معلوم ما گردانی و در سرّ و علانیت می نمایی تا آنچه واجب آید اندر آن می فرماییم و اگر کسانی که بدین صفت باشند امتناع کنند و این امانت نپذیرند ایشان را الزام باید کرد و به اکراه بیاید فرمود.

کوتلیا در ارت شاستر عدل و انصاف و اهمیت دادگاه را برای پایداری سلطنت و برای محافظت اجتماع از دشمنان خیلی مهم شمرده است. او می گوید که امنیت و شادمانی و عدل و انصاف برای پادشاه و کشور لازم است و تا وقتی که پادشاه این کار را به خوبی انجام می دهد امنیت و شادمانی در کشور باقی می ماند. کوتلیا در ارت شاستر دو نوع دادگاه را معرفی می کند. یکی دادگاه دیوانی است که او آن را «دهرم استی» می نامد و دیگر دادگاه جنایی است که آن را «کتتک شدن» می نامد.

در منابع قانون، خواجه نظام الملک طوسی به پادشاه توصیه می کند که پیروی از سنت در عدل و انصاف از همه روشها بهتر است و به جز اصول شریعت هیچ راه بهتری وجود ندارد و می گوید که ایزد تعالی سنت را می پسندد پس پادشاه باید طریقه دینی را پیروی کند ولی کوتلیا در ارت شاستر چهار منبع قانونی را بیان کرده است و می گوید که هر منبع قانون برای امور سیاسی و اصول اداری مقامی بلند دارد و از همه منابع اقوال پادشاه بلند و بالاتر است. از نظر کوتلیا چهار منبع قانون عبارتند از: اول دین، دوم طریقه فعلی، سوم رسم و رواج اجتماع و چهارم اقوال پادشاه در امور سیاسی و اصول اداری.

خواجه نظام الملک طوسی در سیاستنامه و کوتلیا در ارت شاستر در اصول عدل و انصاف عقاید متفاوتی دارند. خواجه نظام الملک طوسی می گوید که همه در نگاه ایزد تعالی یکسان هستند و در همه چیز متساوی اند و به همین سبب پادشاه نباید در عدل و انصاف نظر متفاوت داشته باشد در غیر این صورت به آخرت خود صدمه

می‌زند.

ولی کوتلیا اصولاً طرفدار رواج طریقه اجتماع است و به همین سبب کوتلیا برای هر طبقه اجتماع قوانین و ضوابط و عدل و انصاف جداگانه معرفی کرده است و برای یک جرم در هر یک از چهار طبقه اجتماع مجازاتهای جداگانه تعیین کرده است. کوتلیا طرفدار و حامی دین آریا یا دین ویدا بود و این اصول از زمان آریا که اجتماع به چهار طبقه برهمن، شتری، ویش و شدر تقسیم می‌شد، کوتلیا این رواج اجتماع را پیروی می‌کند و پادشاه را هم مشاورت می‌دهد که باید این اصول دینی را محافظت کند.

احوال اقطاع و مقطعان: خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا هر دو عقیده جداگانه دارند. خواجه نظام الملک طوسی در سیاستنامه درباره اقطاع و مقطعان در گفتگوی مفصلی می‌گوید که ارثی به فرزندان که می‌رسید و زمینی که به کسی واگذار می‌شد که آن به موجب لشکر از پادشاهان می‌یابد و آن را آباد می‌کند و عشردرآمدش را به خزانه پادشاه بدهد و تا زنده است از آن استفاده کند و پس از مرگش زمین به پادشاه برگردد و گاهی این رسم اقطاع تیول موروثی رواج دارد. از این نظر خواجه نظام الملک طوسی پادشاه را توصیه می‌کند که این مقطعان را بر رعایا جز آن حقی نیست که مال حق که بدیشان حواله کرده‌اند از ایشان بستانند بر وجهی نیکو و چون آن بستانند، آن رعایا به تن و مال وزن و فرزند و ضیاع و اسباب از ایشان ایمن باشند و مقطعان بر ایشان تعرض نتوانند کرد و رعایا اگر خواهند که به درگاه آیند و حال خویش باز نمایند مرایشان را از آن باز ندارند. هر مقطعی که جز این کند دستش کوتاه کنند و اقطاعش باز ستانند و با او عتاب کنند تا دیگران از آن عبرت گیرند.

خواجه نظام الملک طوسی می‌گوید که اگر از ناحیتی و رعیتی نشان ویرانی و پراکندگی دهند و گمان چنان افتد که گویندگان صاحب غرض‌اند، ناگاه یکی را از خواص که کسی را گمان نیفتد که او را به چه شغل فرستند، نامزد باید کرد و به بهانه‌ای آنجا فرستاد یک ماهی در آن ناحیت بگردد حال شهر و روستا و آبادانی و

ویرانی ببیند و خبر حقیقت باز آرد که گماشتگان عذر و بهانه می آورند. سخن ایشان هم نباید شنید که دلیر می گردند و هر چه خواهند می کنند و می گویند و گویندگان و معتمدان به سبب آن که تا صورت نبندد پادشاه و مُقطع را که ایشان صاحب غرض اند، نصیحت باز می گیرند و جهان بدین سبب ویران می شود و رعیت درویش و آواره می گردند و ومالها به ناحق سته می شود.

از طرف دیگر کوتلیا در ارت شاستر دربارهٔ اقطاع و مقطعان ذکر خاص نموده است. او می گوید که در هر جای کشور مردمی که بر زمین کشاورزی می کنند مالک هستند ولی پادشاه همیشه این اختیار دارد که اگر کسی خراج نمی دهد او را از آن زمین منتقل کند.

احوال مشرفان را خواجه نظام الملک طوسی در سیاستنامه مورد بحث قرار داده است و آنان را برای دولت خیلی مهم می داند و پادشاه را می گوید که کسی که بر وی اعتمادی تمام است او را اشراف فرماید تا آنچه به درگاه او رود بداند و به وقتی که خواهند و حاجت افتد باز نماید. و این کس را باید که به هر ناحیتی و شهری فرستد تا اعمال و اموال تیمار دارد و آنچه رود از اندک و بسیار به علم ایشان باشد نه چنانکه به سبب مشاهره و مزد ایشان باری بر رعیت افتد و به تازگی رنجی به حاصل شود ده چندان و صد چندان مال باشد که به وقت خویش بدیشان دهند.

کوتلیا در ارت شاستر مشرفان و صفت و کار آنان را مانند خواجه نظام الملک طوسی بیان کرده است و پادشاه را مشورت می دهد که پادشاه باید ذی اثر و دوراندیش و عاقل و دانا و خوش گفتار و بانر و وقار و با حمل و پاکیزه کردار و وفادار و با مروت و ثابت قدم و وفا شعار و خوب گفتار مردی را مشرف منتخب کند.

در احوال ندیمان پادشاه و ترتیب کار ایشان خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا هر دو متفکر عقیدهٔ یکسان دارند و ندیمان را برای پادشاه خیلی مهم و لازم شمرده اند. در این احوال خواجه نظام الملک طوسی می گوید که پادشاه را چاره نیست از

ندیمان شایسته و با ایشان گشاده و گستاخ درآمدند که بزرگان و صاحب طرفان و سپهسالاران را بسیار نشستن شکوه و حشمت پادشاهان را زیان دارد. و ایشان دلیر گردند و در جمله هر که را شغلی و عملی فرمودند، او را باید که ندیمی نفرمایند و هر که را ندیمی فرمودند باید که هیچ عملی نفرمایند که به حکم انبساطی که برسط پادشاه دارد دراز دستی کند و مردمان را رنج رساند.

نظام الملک طوسی می گوید که بعضی پادشاهان طیب و منجم را ندیم کرده اند و گفته اند تا هر چه خورد، طیب می گوید که منفعت و مضرت هر یکی چیست و او را چه سازد و چه نسازد و طبیعت مزاج او نگاه داشته آید و منجم وقت وساعت نگاه می دارد و از سعد و نحس آگاهی می دهد.

کوتلیا هم در ارت شاستر مانند نظام الملک طوسی ندیمان پادشاه را خیلی اهمیت داده است و ندیمان را در هفت جزء حکومت لازم قرار داده است. او می گوید که برای حاکمیت هفت بنیان لازم اند مثلاً، پادشاه، وزیر، ندیم، لشکر، قلعه، زر، زمین و در این هفت جزء ندیمی یک جزء خاص است که پادشاه بدون او برای حکمرانی و کشورداری کامل نیست. کوتلیا در اوصاف ندیمی می گوید که مهم ترین ویژگی ندیم پادشاه آن است که نزد پادشاه می باشد و برای شنیدن معقول اقوال پادشاه آماده باشد و گاهی عیب جویی و غیبت نمی کند و برای فداکاری را حکومت همیشه آماده است. او می افزاید که ندیم باید خوشخوی و گشاده طبع و بردبار و جوانمرد و نیکوسیرت و پاک از بد اعمالی و بدبینی باشد که او را پادشاه مرتبت و منزلت بخشد و به همین سبب ندیم باید که خوشتن دار و مهذب باشد.

در احوال و کیل خاص و رونق کار او خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا هر دو مصنف در تصانیف خود باهم اتفاق دارند و او را برای کار مملکت و تعاون پادشاه خیلی اهم و لازم قرار می دهند. خواجه نظام الملک طوسی می گوید که وکیلی در این روزگار سخت شده است و همیشه این کار به عهده مردی معروف و محترم بوده است. کسی که احوال مطبخ و شرابخانه و آخور و سراهای خاص فرزندان و

حواشی به او تعلق دارد هر ماهی بلکه هر روزی و هر وقتی پیش آید و حال باز نماید و شناخته مجلس عالی باشد و به هر وقت استطلاع رأی کند و آنچه می‌رود و می‌دهد و می‌ستاند خبر می‌کند و او را حشمتی تمام باید تا شغل تواند راند و کار او به نظام و روان باشد.

از طرف دیگر کوتلیا می‌گوید که چون وکیل خاص در مملکت داری مقام ارجمند دارد، پادشاه را باید که مردی لایق و سزاوار و با لیاقت را که بر کار مملکت واقف باشد براین عهده مأمور کند. پس چنان واجب کند که چون پادشاه کاری خواهد کرد و یا او را مهمی پیش آید به وکیل خاص دولت خویش مشاورت کند، تا هر کسی را در آن معنی هر چه فراز آید بگویند و آنچه رای پادشاه دیده باشد با گفتار هر یکی مقابله کنند و هر یکی چون گفتار و رای یکدیگر بنشنوند و براندازند. رای صواب از آن میان پدیدار آید.

دراحوال صاحب بریدو سفیر و رسولان و ترتیب کار ایشان خواجه نظام الملک
طوسی و کوتلیا هر دو عقاید یکسانی دارند و این موضوع را هم در نوشته های خود از نظر سیاسی خیلی اهمیت داده‌اند. خواجه نظام الملک طوسی در سیاستنامه در این موضوع می‌نویسد که پادشاه باید سفیر خود را به کشور دیگر بفرستد و سفیر کشور همسایه را استقبال کند که این سفیران برای روابط بین دو کشور لازم اند و توسط سفیر پادشاهان می‌توانند از اوضاع و احوال کشور یکدیگر اطلاع داشته باشند و به وسیله آن تصمیم بگیرند که روابط دوستی داشته باشند یا خیر. خواجه نظام الملک طوسی پادشاه را مشاورت می‌دهد که باید پادشاه در زمان خطرات و کدورتها سفیر خود را به کشور همسایه بفرستد و خیالات خود را به او منتقل کند و متقابلاً نظریات آنان را دریافت کند.

همچنین کوتلیا در ارت شاستر درباره سفرها و ترتیب کار ایشان چند نکته مهم را از زمان موریای بیان کرده و اهمیت کارهای ایشان را توضیح داده است. کوتلیا می‌گوید که سفیر در هر کشوری لازم است که نه فقط در ایام صلح بلکه در ایام

جنگ کارهای مهمی انجام دهد. کوتلیا کار لازم را برای یک سفیر خردمندی می‌داند. کوتلیا به سفیران تأکید می‌کند که باید در کشور دیگر از همه احوال اندرون و بیرون آگاه شوند و توسط جاسوسان و منهبان همه اطلاعات لازم را به دست آورند و و خودشان را از شراب خواری و مستی و دیگر افعال به دور نگهدارند و هوش و گوش خود را از نظر بگذارند. کوتلیا در ارت شاستر کارهای سفیران را هم مقرر کرده است و بیان می‌کند که در کشور دیگر سفیر باید جایی و گاهی جوهر خودش را بنماید.

در زمان کوتلیا و خواجه نظام الملک طوسی در هر دو کشور سفیر خیلی اهمیت داشت ولی از منابع سیاستنامه و ارت شاستر روشن نمی‌شود که در زمان آنان رواج سفیر موقتی بوده یا دائمی. از منابع دیگر روشن می‌شود که در هند در زمان موریان هر یک از کشورهای همسایه یک سفیر در مرکز سلطنت زندگی می‌کرده مانند میگاستینیز و دیماسکس و غیره که سفیر یونانی بودند و در پایتخت عهد سلطنت موریان زندگی می‌کردند ولی خواجه نظام الملک طوسی در سیاستنامه اسم سفیری را بیان نکرده است و از این روشن می‌شود که احتمالاً در ایران در زمان سلجوقی سفیر موقتی بوده است.

در احوال صاحب خبران و منهبان و جاسوسان و تدبیر کار ایشان خواجه نظام الملک طوسی می‌گوید کار پادشاه فقط این نیست که کارهای سیاسی انجام دهد بلکه از هر حادثه تازه ای که در کشور اتفاق می‌افتد باید آگاهی داشته باشد و لازم است از احوال رعایا و لشکر و همه ملازمان مملکت از دور و نزدیک پرسد. اگر پادشاه به این امر توجه نکند خطرات زیادی ممکن است حکومت او را تهدید کنند. اگر پادشاه از همه حوادث کشور آگاه باشد و در باره آن فرمان دهد همه ستمکاران و دشمنان دست خود را از ظلم و ستم کوتاه می‌کنند و همه مردمان کشور در سایه عدل زندگی می‌گذرانند. خواجه نظام الملک طوسی می‌گوید که صاحب خبران و منهبان از زمان جاهلیت تا امروز در هر زمان مقامی خاص دارند. پس او

پادشاه را مشاورت می‌دهد که پادشاه باید در همه اطراف کشور جاسوسان و منهبان را بر سیل بازرگانان و سپاهیان و صوفیان و فروشندگان بگمارد تا از هر ناحیه کشور خبر بیاورند و پادشاه را آگاه کنند تا پادشاه فرمان لازم را جاری کند و عزم باطنیان را باطل کند.

کوتلیا در ارت شاستر در باب یازدهم و دوازدهم وجود جاسوسان را برای امنیت کشور لازم می‌شمرد. کوتلیا می‌گوید که جاسوسان در کشور مانند گردش خون جسم انسان است و از این نظر اهمیت آن روشن است. کوتلیا چند شرط لازم برای انتخاب جاسوسان بیان کرده است و برای پادشاه توجیه می‌کند که باید فقط مردم هوشیار و دانا و خردمند و چست و درست را برای جاسوسی انتخاب کند.

کوتلیا در ارت شاستر چهار کار جاسوسان را ذکر کرده است که عبارت‌اند از:

- ۱- مراقبت از احوال و کارنامه های وزیران و دیگر ملازمان.
- ۲- مراقبت از احوال و کارنامه های افسران اعلی و سالار لشکر.
- ۳- آگاه شدن از احوال و افکار و حوادث رعایا و دیگر مردمان کشور.
- ۴- آگاه شدن از احوال و عزم دشمنان پادشاه و کشور همسایه.

گروهی از جاسوسان برای انجام کار خود به نواحی مختلف کشور مسافرت می‌کنند و از همه احوال کشور پادشاه را آگاه می‌کنند. این جاسوسان در شکل شاگرد و استاد و بازیگر و غذافروش و نجومی و نویسنده و نوازنده و فاحشه و به شکل مردم خلوت نشین کار می‌کنند. کوتلیا همچنین بر اهمیت جاسوسی زنان تأکید کرده است.

در احوال امنیت و محافظت کشور و تربیت و ترتیب سلاحها و آلات جنگ و روشن

داشتن اموال جمله لشکر خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا هر دو پادشاه را بسیار مشاورت داده اند و این را برای بقا و تحفظ کشور ضروری دانسته‌اند. خواجه نظام الملک طوسی در سیاستنامه می‌گوید که پادشاه باید لشکرها را زیر اطاعت خود داشته باشد و مشاورت داده است که نگهداری لشکر در یک ناحیه برای پادشاه خطر

ایجاد می کند و به همین سبب پادشاه باید مجموع لشکر را در جاهای مختلف نگهداری کند. درباره حقوق لشکر خواجه نظام الملک طوسی می گوید که لشکر یک جزء خاص است و به همین سبب پادشاه باید خزینۀ نقدی و دیگر اسباب لازم را فراهم کند و باید در سال چهار بار یعنی هر سه ماه یک بار مواجب از خزینۀ نقدی بدهد.

خواجه نظام الملک طوسی می گوید که چون لشکر همه از یک جنس باشند از آن خطرهای خیزد و سختکوش نباشند و تخلیط کند. باید که از هر جنسی باشند و دو هزار مرد دیلم و خراسانی باید که مقیم در گاه باشند آنچه هستند بدارند و باقی راست کنند و اگر از این بعضی گرجیان و شبانکارگان پارس باشند روا بود که این جنس هم مردان نیک باشند.

از سوی دیگر کوتلیا در ارت شاستر بر این موضوع نگاه مخصوصی دارد او از نظر اصول سیاسی و کشورداری به لشکر و آلات جنگ اهمیت زیادی داده است و جنگ را یکی از مهم ترین اجزای سیاست می شمارد. کوتلیا در ارت شاستر در چند باب درباره لشکرداری گفتگوی مفصل کرده است. کوتلیا نه فقط اهمیت و اختیارات و آموزش لشکر را انعکاس می دهد بلکه درباره حقوق و دیگر مسایل لشکر صحبت کرده است. کوتلیا پادشاه را می گوید که پادشاه باید برای امنیت و محافظت کشور هرگونه لشکر و هر نوع آلات و زینت و ترتیب آن را آماده کند. کوتلیا از نظر سیاسی لشکرها را به چهار دسته تقسیم کرده و ایشان را لشکر «چتورنگ» نامیده است.

در احوال علتین و آفات کشور خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا هر دو پادشاه را از این حوادث هوشیار می کنند. خواجه نظام الملک طوسی در احوال علتین و آفات کشور مشاورت می دهد و اهمیت جمع آوری بیت المال و خزانه و غله و غیره را برای تحفظ از علتین و آفات کشور خیلی لازم می شمارد و می گوید که باری هفت سال در جهان قحط بود و برکات از آسمان بریده گشته بود. عمال را و داشت تا غله هایی که داشتند می فروختند و بعضی بوجه صدقه می دادند و از بیت المال

وخزانه درویشان را یاری می کردند ، چنانکه در همه مملکت اودر آن هفت سال یک تن از گرسنگی نمرده بود. بدان سبب که با گماشتگان عتاب کرد. واز احوال عامل پیوسته اطلاع می یابد که اگر از رعیت چیزی ستنده باشد به نا واجب، از او باز ستانند و به رعیت باز دهند و پس از آن اگر او را مالی بماند از او بستانند و به خزانه آرند و او را مهجور کنند و نیز عمل نفرمایند تا دیگران عبرت گیرند و دراز دستی نکنند.

خواجه نظام الملک طوسی در علتین و آفات کشور کارهای عمال را خیلی مهم قرار داده است و می گوید که عمال را که عملی دهند ایشان را وصیت باید کرد تا با خلق خدای تعالی نیکو روند و از ایشان جز مال حق نستانند و نیز به مدار او مجاملت طلب نکنند و تا ایشان را دست به ارتفاعی نرسد آن مال نخواهند که چون پیش از وقت خواهند رعایا را رنج رسد و درمگانه ارتفاعی که خواهد رسید از ضرورت به نیم درم بفروشد و از آن مستأصل و آواره شوند و اگر کسی از رعیت درماند و به گاو و تخم حاجتمند گردد او را وام دهند و سبکبار دارند تا برجای بماند و از خانه خویش به غربت نیفتد.

دیگر در ارت شاستر در احوال علتین و آفات کشور یک باب مخصوص آورده و برای تحفظ دولت از این آفات مورد بحث قرار داده است. کوتلیا همه علتین و آفات دولت را به دو بخش تقسیم می کند آفات سماوی و آفات انسانی. کوتلیا می گوید که پادشاه باید از علتین و آفات خزانه هوشیار باشد که لشکر هم بر این خزانه انحصار کند و اگر خزانه دچار آفات شود لشکر و دیگر عناصر حکومت به جانب دشمنان متوجه شوند و برای پادشاه و کشور مشکلات بر پا کنند ولی کوتلیا گاهی لشکر را در مقابل زر بالا داند و می گوید که لشکر برای تحفظ زر لازم است و هر دو (زر و لشکر) به یکدیگر انحصار دارند. کوتلیا می افزاید که چون زر منابع همه جزء است و همه معاملات کشور بر زر تابع است و به همین سبب علتین و آفات زر از مقابل دیگر شدیدتر و بالاتر است. کوتلیا پادشاه را مشورت می دهد که در زمان آفات زرواقتصاد، پادشاه باید که بر کشور دشمنان حمله کند و کشور خود را از آفات

سماوی و انسانی محافظت کند.

اوضاع اقتصادی: از زمان قدیم تا امروز اقتصادیات را یکی از مهم ترین اجزای سلطنت می‌شمارند و از این نظر خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا در بیان اوضاع اقتصادی مطالبی را بیان کرده اند ولی خواجه نظام الملک طوسی به موضوع سلطنت توجه بیشتری داشته و در دو باب در احوال خزانه داشتن و تیمارداشتن قاعده و ترتیب آن و در احوال نگاه داشتن حساب مال ولایتها و نسق آن به طور مفصل از اقتصادیات گفتگو کرده است. خواجه نظام الملک طوسی می‌گوید که پادشاهان را همیشه دو خزینه بوده است یکی خزانه اصل و دیگری خزانه خرج. مالی که حاصل شد بیشتر به خزانه اصل می‌رود و کمتر به خزانه خرج و تا ضرورتی نبود از آن خزینه اصل خرجی نمودندی و اگر چیزی برداشتندی به وجه وام برداشتندی و بدل به جای باز نهادندی و چون این اندیشه داشته نیاید و هر چه در آید در اخراجات صرف افتد، اگر ناگاه به مالی حاجت آید دل مشغولی تولد کند و در آن مهم تقصیر و تأخیر در آید و هر مالی که آن در وجه خزانه نهاده بودندی از دخل ولایت، هرگز آن را تحویل و تبدیل نکردندی تا اخراجات به وقت خویش می‌رسیدی و در صلوات و مرسومات و تسویغات تقصیر و تأخیر نیفتادی و همیشه خزانه آبادان بودی.

از طرف دیگر کوتلیا درباره همه چیزهایی که از جهت اقتصادیات اهمیت دارند صحبت کرده است و در این زمینه مطالب زیادی نوشته است. کوتلا در ارت شاستر سه قسم پیشه برای مردم بیان می‌کند. یک کرشی (کشاورزی)، دوم پشوپالن (دامپروری)، سوم وانج (تجارت) و این هر سه پیشه زندگانی مردم را «ورتا» می‌نامد.

کوتلیا در ارت شاستر درباره اصول اقتصادی و راههای تجارت دولتی و بازار و شهر همه چیز را ذکر کرده و اهمیت هر یک را به خوبی بیان کرده است. کوتلیا درباره پنجاه قسم صنعت دستی و لباس پنبه و چرم و در و جواهرات و اقسام مختلف پول مانند، پن، مشک، دهرن، کاکنی و غیره صحبت کرده است ولی کوتلیا درباره

سگّه طلا سخنی نگفته است.

اوضاع و احوال اجتماعی: خواجه نظام الملک طوسی و کوتلیا نگاه خاص دارند ولی خواجه نظام الملک طوسی در سیاستنامه درباره موضوع اجتماع گفتگوی مفصّلی نکرده است و فقط در باب فتنه و فساد و گروههای مختلف و فرقه ها و طبقات اجتماعی در زیر موضوع بد مذهبان و باطنیان و خرمدینان سخن گفته است.

خواجه نظام الملک طوسی در احوال اجتماع و گروههای مختلف و فرقه ها و طبقات اجتماعی نگاه خاصی دارد و می گوید که همیشه خلقی بسیار از متظلمان بر درگاه مقیم باشند و هرچند قصه را جواب می یابند نمی روند و هر غریبی یا رسولی که بدین درگاه می رسد و این فریاد و آشوب می بیند، چنان می پندارد که بر این درگاه ظلمی عظیم می رود بر خلق. این در بر ایشان در باید بست تا همه حاجتهای شهری و ناحیتی که عوامل آن حاضر باشند جمله کنند و بر جای نویسند و پنج تن بیابند به درگاه و این سخن بگویند و حال باز نمایند و جواب باز شنوند و مثال بستانند که در حال باز گردند تا این مشغله و آشوب، بیهوده و فریاد، بی اصل نباشد.

از طرف دیگر کوتلیا در ارت شاستر موضوعات اجتماعی را خیلی مورد توجه قرار داده است و همه نکته های اجتماعی هند را از نظر سیاسی و علمی و فنی مفصّل بیان کرده است. اگر کوتلیا می گوید که پادشاه باید فقط اصول تعیین شده در کتاب دینی ودا را محافظت بکند و در آن مداخله نکند. از این نظر ارت شاستر قواعد و ضوابطی برای هر چهار طبقه اجتماعی بیان می کند و برای هر طبقه چند اصل خاص را لازم قرار داده و می گوید که در زمان موریای طبقه چهارم که به نام شدّر مشهور بودند نه فقط همه کارهای طبقه بالا را انجام می دادند بلکه هنرهای مختلف را هم داشتند. از منابع ارت شاستر معلوم می شود که غلامان و ملازمان از طبقه شدّر بودند و کار کشاورزی نیز می کردند که این پیشه در آن زمان خیلی مهم بود. برهمنان در امور سیاسی و اصول اداری اقتدار خاص داشتند و بیشتر وزرا و علما و افسران اعلی از این طبقه بودند و پادشاه در همه کارهای خود با پوروهت (عالم دین)

مشورت می‌کرد. اهمیت برهمنان از این مسئله روشن می‌شود که در زمان کوتلیا برهمنان و کودکان و زنان و بیماران و صاحبان کارخانه و ملازمان پادشاه از اجاره دادن به حکومت معاف بودند.

از آنچه گذشت در می‌یابیم که خواجه نظام الملک طوسی در سیاستنامه فقط در فصل ترتیب بندگان و چاکران، درباب باطنیان و در چند باب دیگر به عنوان ترتیب شراب و قواعد صحبت کرده است ولی از آداب و رسوم اجتماعی و طبقات مردم و کارهای پیروان دین و زندگانی مردم و روابط بین مرد و زن توضیح نداده است ولی کوتلیا در ارت شاستر طبقات گوناگون اجتماعی را منعکس می‌کند.

نتیجه

بعد از مقایسه سیاستنامه نظام الملک طوسی و ارت شاستر کوتلیا روشن می شود که چطور امور سیاسی و اصول اداری در آن زمان وجود داشت و اقتصادیات چطور بود و چطور مردم زندگی می کردند و کارهای زندگی خود را انجام می دادند. این منابع چه قدر مبنی بر حقیقت هستند مورد بحث است ولی از این منابع روشن می شود که اوضاع آن زمان چطور بوده است. ممکن است هر نکته ای که در این کتاب بیان شده در عمل وقوع پیدا نکرده باشد ولی روشن می شود که اختیارات پادشاه و وزیران در اجتماع چه قدر اهمیت داشته و کشور چه اصولی برای جهانبانی دارد و برای پادشاه چیزهایی مهم و لازم است که او بتواند به واسطه آنها امنیت و شادمانی و بقای سلطنت خود را حفظ کند.

همین طور روشن می شود که از نظر اصول و قوانین و شرایط و ضوابط امور سیاسی و اصول اداری و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و علم و فلسفه، هر دو کتاب از مهمترین منابع تاریخی هستند و در هر دو کتاب از موضوعات گوناگون زندگانی مردم بحث شده است و هر موضوع لازمی که از نظر سیاسی اهمیت دارد شرح داده شده و مهم ترین حالات و معلومات آن زمان را منعکس می کند و همه چیز را با مثالهای مختلف مورد بحث قرار داده که این نه فقط در زمان تالیف، بلکه تا حال اهمیت بسیار دارد و برای کشورداری خیلی مفید است و سیاستمداران را رهبری می کند.

توضیح ویراستار:

این مقاله به یک چهارم حجم آن تقلیل یافته و ارجاعات آن که به دو منبع اصلی یعنی سیاستنامه و ارت شاستر بوده و صفحات بسیاری را اشغال می کرده، حذف شده است. خوانندگان ارجمندی که به تمام مقاله و ارجاعات مفصل آن علاقمند باشند، می توانند آن را از دفتر مجله دریافت کنند.

منابع و مأخذ

- ۱- اقبال، عباس. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- ۲- اته، هرمان. تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه: دکتر رضازاده شفق، تهران، ۱۹۷۷م.
- ۳- جلیلی، محمدحسین. تاریخ سلسله سلجوق، تهران، انتشارات فرهنگ ایران.
- ۴- خواندمیر. دستورالوزراء، تهران، کتابخانه اقبال، ۱۳۱۷هـ.
- ۵- دارک، هیوبرت. سیاستنامه، تهران، ۱۳۴۰.
- ۶- شیفر، چارلس. سیاستنامه نظام الملک طوسی، ترجمه: در زبان انگلیسی، پیرس، ۱۸۹۷م.
- ۷- شعار، جعفر. سیاستنامه (سیرالملوک) نظام الملک طوسی، تهران، امیرکبیر، ۱۹۷۹م.
- ۸- شوشتری، مهین عباس. تاریخ زبان و ادبیات ایران در خارج از ایران، تهران، ۱۳۵۲.
- ۹- صفا، ذبیح الله. تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۲، تهران، ۱۹۷۴م.
- ۱۰- صفا، ذبیح الله. تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی (از آغاز تا پایان عهد صفوی)، تهران، ۱۹۷۶م.
- ۱۱- طوسی نظام الملک، سیاستنامه (سیرالملوک)، تهران، وزارت فرهنگ و هند، ۱۹۶۷م.
- ۱۲- عبدالحمید، عبدالحمید. مبانی سیاست، تهران، طوس، ۱۹۹۲م.
- ۱۳- عمادالدین، محمداصفهان. تاریخ دولت آل سلجوق، مصر، ۱۹۵۲م.
- ۱۴- قرشی، محمدبن احمد. آیین شهرداری در قرن هفتم، (ترجمه: به جعفرشعار)، تهران، انتشارات فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
- ۱۵- مشکوتی، نصرالله. از سلاجقه تا صفویه، تهران، ۱۳۴۳.
- ۱۶- ملکوتی، بهرام. آشنایی با علم سیاست، جلد ۱، تهران، چاپخانه سهر، ۱۳۴۸.
- ۱۷- مولایی، محمدسرور. آیین کشورداری، تهران، انتشارات فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.
- ۱۸- ملک الشعراء، بهار. سبک شناسی، ۳ جلد، تهران، ۱۹۴۷م.
- ۱۹- نعمانی شبلی، شعرالعجم، ۵ جلد، اعظم گره، ۱۹۴۷م.
- ۲۰- حلبی، علی اصغر. تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران و جهان اسلام، تهران، ۱۳۷۲.